

Submit Date: 25 November 2025

Revise Date: 12 April 2026

Accept Date: 19 April 2026

Initial Publish: 18 July 2026

Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Monetary Value and Ownership of Virtual Assets in the Metaverse from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Civil Law

Amir Hossein Sang Sefidi^{1*}, Elham Khalaghi²

1. MS Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic, Law Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. MS, Private Department of Law, Varamin Unit, Pishva, Islamic Azad University, Varamin, Iran

* Corresponding Author's Email: amirhs.hosseini313@gmail.com

ABSTRACT

The expansion of the “metaverse” as an interactive virtual environment has created the conditions for the emergence and exchange of a wide spectrum of digital assets, ranging from virtual land and buildings to avatars, non-fungible tokens (NFTs), and in-app digital currencies. This transformation raises two fundamental questions within the Iranian legal and jurisprudential system. First, whether these phenomena possess “monetary value” (i.e., the capacity for valuation and participation in rational transactions) and can therefore be classified as property, or whether they remain within the category of non-proprietary and purely notional matters. Second, assuming their recognition as property, what is the nature and scope of “ownership” over such assets, and how should conflicts between the proprietary authority of users and the powers of platforms (including terms of service, unilateral modifications, account suspension, and similar mechanisms) be adjudicated? This article employs a descriptive–analytical method, drawing upon the principles of Imami jurisprudence and Iranian civil law, to examine the criteria for recognizing the monetary value of virtual assets and the feasibility of conceptualizing proprietary rights over them. The findings indicate that, within Imami jurisprudence, monetary value is contingent upon rational desirability, the possibility of appropriation, lawful benefit, and the capability of delivery (even in the form of constructive possession and transfer of control). Accordingly, many metaverse-based assets—particularly those that are tradable in secondary markets and possess economic functionality—qualify as property. Nevertheless, concerns related to uncertainty (gharar), ambiguity, and the lack of guaranteed continuity of benefits due to the monopolistic authority of platforms necessitate the incorporation of contractual stipulations and transparency mechanisms. In Iranian civil law, through the expansion of the concept of “proprietary rights” and the recognition of intangible property, metaverse digital assets may be structured as independent proprietary rights or as a composite of contractual claims, intellectual property rights, and rights related to data and user accounts. However, the realization of effective proprietary protection depends on legislative reform and the establishment of explicit legal rules governing virtual assets.

Keywords: Metaverse; Virtual Assets; Monetary Value; Constructive Ownership; Uncertainty (Gharar); Iranian Civil Law; Imami Jurisprudence; NFT; Virtual Land; Avatar.

How to cite: Sang Sefidi, A. M. & Khalaghi, E. (2027). Monetary Value and Ownership of Virtual Assets in the Metaverse from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Civil Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(2), 1-19.



تاریخ ارسال: ۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۳ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۳۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مالیت و مالکیت دارایی‌های مجازی در متاورس از دیدگاه فقه امامیه و حقوق مدنی ایران

امیرحسین سنگ سفیدی^۱، الهام خالقی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد ورامین، پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: amirhs.hosseini313@gmail.com

چکیده

گسترش «متاورس» به عنوان محیط‌های مجازی تعاملی، زمینه ظهور و مبادله طیفی از دارایی‌های دیجیتال را فراهم کرده است؛ از زمین و ساختمان مجازی و آواتار تا توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT) و ارزهای دیجیتال درون برنامه‌ای. این دگرگونی، دو پرسش بنیادین را در نظام حقوقی و فقهی ایران پیش می‌کشد: نخست، آیا این پدیده‌ها از حیث «مالیت» (قابلیت ارزش‌گذاری و قرارگرفتن در مبادلات عقلایی) واجد اوصاف مال‌اند یا در زمره امور غیرمالی و صرفاً اعتباری باقی می‌مانند؟ دوم، در فرض پذیرش مالیت، «مالکیت» بر این دارایی‌ها چه ماهیت و حدودی دارد و در تعارض میان سلطنت مالکانه کاربر و اختیارات پلتفرم (شرایط استفاده، تغییرات یک‌جانبه، تعلیق حساب و...) چگونه باید داوری کرد؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مبانی فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، به واکاوی معیارهای مالیت دارایی‌های مجازی و امکان تصور مالکیت اعتباری بر آنها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فقه امامیه، مالیت تابع رغبت عقلایی، امکان اختصاص، نفع محلّ و قابلیت تسلیم (ولو به صورت قبض حکمی و انتقال کنترل) است و بسیاری از دارایی‌های متاورسی - به‌ویژه آن دسته که در بازار ثانویه قابل مبادله و دارای کارکرد اقتصادی‌اند - واجد مالیت‌اند؛ باین حال، شبهات غرر، جهالت و عدم تضمین بقاء منافع به واسطه قدرت انحصاری پلتفرم، اقتضای طراحی شروط ضمن عقد و سازوکارهای شفاف‌سازی را دارد. در حقوق مدنی نیز با توسعه مفهوم «حق مالی» و پذیرش اموال غیرمادی، می‌توان دارایی‌های دیجیتال متاورسی را در قالب حقوق مالی مستقل یا ترکیبی از حق دینی و قراردادی، حق مالی ناشی از مالکیت فکری و «حق بر داده و حساب کاربری» صورت‌بندی کرد؛ اما تحقق حمایت مالکانه، در گرو بازنگری تقنینی و تدوین قواعد صریح درباره دارایی‌های مجازی است.

کلیدواژه‌گان: متاورس؛ دارایی‌های مجازی؛ مالیت؛ مالکیت اعتباری؛ غرر؛ حقوق مدنی ایران؛ فقه امامیه؛ NFT؛ زمین مجازی؛ آواتار.

نحوه استناددهی: سنگ سفیدی، امیرحسین. و خالقی، الهام. (۱۴۰۶). مالیت و مالکیت دارایی‌های مجازی در متاورس از دیدگاه فقه امامیه و حقوق مدنی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۲)، ۱-۱۹.

دارایی‌های متاورسی با چالش‌هایی مواجه‌اند: این دارایی‌ها غالباً غیرمادی، وابسته به قرارداد و پلتفرم، و دارای ریسک زوال‌اند؛ به‌نحوی که سلطنت و انتفاع کاربر ممکن است با یک تغییر در شرایط استفاده یا تعطیلی سرویس دچار اختلال شود. از همین‌رو، مسئله پژوهش حاضر در نقطه تلاقی دو پرسش بنیادین قرار می‌گیرد: نخست، معیارهای «مالیت» در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران چیست و آیا دارایی‌های متاورسی (زمین مجازی، NFT، آیتم‌های قابل مبادله، امتیازات قابل ارزش‌گذاری و...) می‌توانند تحت این معیارها «مال» محسوب شوند؟ دوم، اگر مالیت پذیرفته شود، «مالکیت» بر این دارایی‌ها چگونه تبیین می‌شود: آیا باید آن را مالکیت بر عین اعتباری، مالکیت بر منفعت، یا «حق مالی» ناشی از قرارداد دانست؟ و نهایتاً، در تعارض میان اصل تسلیط و آزادی قراردادی کاربر با اختیارات تنظیم‌گرانه پلتفرم، حدود سلطنت مالکانه تا کجاست و چه راهکارهایی برای کاهش غرر و جهالت و تضمین منافع مشروع کاربران قابل ارائه است؟ به‌تبع این مسئله اصلی، پرسش‌های فرعی پژوهش نیز ناظر به تبیین معیارهای ارزیابی مالیت در دو نظام فقهی و حقوقی، تحلیل ماهیت دارایی‌های متاورسی از حیث «عین»، «منفعت» و «حق»، تعیین حدود مالکیت کاربر در برابر سلطه پلتفرم و شروط استفاده، واکاوی شبهات غرر، جهالت، اکل مال به باطل و قمار در معاملات متاورسی، و ارائه راهکارهای فقهی و تقنینی برای شفاف‌سازی و کاهش ریسک‌های معاملاتی است.

فرضیه‌های پژوهش بر این مبنا سامان می‌یابد که بسیاری از دارایی‌های متاورسی - به‌ویژه آن دسته که دارای رغبت عقلایی و قابلیت اختصاص و مبادله‌اند - از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی واجد مالیت‌اند، هرچند غیرمادی و اعتباری باشند (Faezi & Bahram-Arjavand, 2024; Katouzian, 2003). همچنین، مالکیت بر این دارایی‌ها غالباً «مالکیت اعتباری و حقوق مالی» است که بر پایه قرارداد و سیره عقلایی قابل اثبات است، نه

متاورس، به‌مثابه زیست‌بومی از فضا‌های مجازی پیوسته و تعاملی، با ادغام فناوری‌هایی چون واقعیت مجازی و افزوده، بلاک‌چین و اقتصاد پلتفرمی، نوعی «اقتصاد دیجیتال تجربه‌محور» ایجاد کرده است که در آن، کاربران می‌توانند به‌صورت هم‌زمان مصرف‌کننده و تولیدکننده ارزش باشند (Moradi Barlian, 2022; Sajjadian et al., 2021). در این محیط‌ها، دارایی‌هایی شکل می‌گیرد که برخلاف اموال مادی سنتی، قائم به داده، گُذ، حساب کاربری و سازوکارهای اعتبارسنجی پلتفرم است؛ مانند زمین و واحد مسکونی مجازی، اقلام تزئینی، آیتم‌های بازی، توکن‌ها، اعتبارهای درون‌برنامه‌ای، حقوق ناشی از هویت دیجیتال و آواتار، و حتی جریان‌های درآمدی ناشی از تبلیغات یا خدمات مبتنی بر آواتار (Torabi et al., 2023; Yeganeh & Famil- Saeidian, 2022). اهمیت فقهی و حقوقی مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که این دارایی‌ها در عمل، موضوع سرمایه‌گذاری و مبادله و گاه وثیقه‌گذاری قرار می‌گیرند و زبان‌های مالی قابل توجهی بر اثر هک، کلاهبرداری، تعلیق حساب یا تغییر سیاست‌های پلتفرم پدید می‌آید. در عین حال، بسیاری از این دارایی‌ها یا مبتنی بر توکن‌های بلاک‌چینی‌اند یا در قالب اقلام درون‌پلتفرمی عرضه می‌شوند؛ بدین معنا که کنترل فنی و حقوقی آن‌ها گاهی میان شبکه، قرارداد هوشمند و ارائه‌دهنده خدمت تقسیم می‌شود و همین امر، تعیین قلمرو «حق» یا «مالکیت» و نیز تعیین مسئولیت‌ها را دشوارتر می‌سازد (Zare et al., 2023).

در ادبیات فقه معاملات، «مال» مفهومی محوری است؛ زیرا بسیاری از احکام صحت معامله، ضمان، و نیز حرمت اکل مال به باطل، بر تحقق «مالیت» یا «ملکیت» استوار است (Ansari, 1971; Najafi, 1963). از سوی دیگر، در حقوق مدنی ایران نیز «مال» و «حق مالی» مبنای تملک، انتقال، ضمان قهری و مسئولیت مدنی است (Emami, 1956; Katouzian, 2003). با این حال،

نیز به «شرط مالیت» در معاملات ملکی متاورس پرداخته است (Faezi & Bahram-Arjavand, 2024). با وجود این، خلأ اصلی در ادبیات، ارائه یک چارچوب جامع «مالیت - مالکیت» است که هم‌زمان معیارهای فقهی مالیت و ملکیت را به‌طور نظام‌مند استخراج کند، از ظرفیت‌های حقوق مدنی ایران برای شناسایی اموال غیرمادی بهره‌گیرد، تعارض ساختاری میان سلطه پلتفرم و مالکیت کاربر را تحلیل کند، و راهکارهای حقوقی - فقهی قابل اجرا پیشنهاد دهد. پژوهش حاضر با همین هدف، می‌کوشد امکان‌پذیری فقهی - حقوقی معامله این دارایی‌ها و نیز ضرورت‌های سیاست تقنینی در ایران را روشن سازد.

تعاریف و مفاهیم

متاورس و گونه‌شناسی دارایی‌های مجازی

متاورس را می‌توان مجموعه‌ای از فضاهای دیجیتال شبکه‌ای دانست که در آن‌ها «حضور» کاربر، تعامل اجتماعی و اقتصاد پلتفرمی یا توکنی به‌صورت هم‌زمان محقق می‌شود (Sajjadian et al., 2021). دارایی‌های مجازی در این فضاها را می‌توان به‌طور کلی چنین دسته‌بندی کرد: الف) دارایی‌های درون‌پلتفرمی (اقلام و امتیازات وابسته به حساب کاربری)؛ ب) دارایی‌های توکنی یا بلاک‌چینی (NFTها، توکن‌های قابل مبادله)؛ ج) دارایی‌های مرتبط با هویت دیجیتال و آواتار (نام، ظاهر، اعتبار تجاری، داده‌ها)؛ د) منافع و جریان‌های درآمدی (تبلیغات، اجاره فضای مجازی، خدمات مبتنی بر آواتار) (Torabi et al., 2022; Yeganeh & Famil-Saeidian, 2023).

۲-۲. مفهوم مال، مالیت، حق و مالکیت در حقوق مدنی ایران در حقوق مدنی ایران، «مال» مفهومی عرفی است و معمولاً به چیزی اطلاق می‌شود که دارای منفعت عقلایی و قابل اختصاص به شخص باشد؛ این تعریف، امکان شناسایی اموال غیرمادی و حقوق مالی را نیز فراهم می‌کند (Jafari Langroudi, 1994; Safaei, 2003). «حق مالی» نیز حقی است که دارای ارزش

لزوماً مالکیت عینی کلاسیک. در عین حال، مهم‌ترین مانع فقهی در معاملات متاورسی، غرر و جهالت ناشی از ابهام در دوام منفعت و اختیارات یک‌جانبه پلتفرم است؛ اما با شروط ضمن عقد، تعیین اوصاف، و سازوکارهای شفافیت می‌توان این مانع را تا حد زیادی رفع کرد (Sadat-Tabatabaei et al., 2026). افزون بر این، حقوق مدنی ایران با توسعه مفهوم «حق مالی» و پذیرش اموال فکری ظرفیت شناسایی دارایی‌های متاورسی را دارد، ولی برای حمایت مؤثر، نیازمند قواعد تکمیلی و تصریح‌های تقنینی است (Karimi & Mousavi, 2011; Sadeghi Neshat, 1997).

از حیث روش‌شناسی، پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است و با رویکرد تطبیقی، مفاهیم و معیارهای فقه امامیه را با مبانی حقوق مدنی ایران مقایسه می‌کند. قلمرو موضوعی مقاله، دارایی‌های مجازی دارای کارکرد اقتصادی در متاورس است (مانند زمین مجازی، اقلام قابل مبادله، توکن‌ها و حقوق هویتی - تجاری آواتار) و از ورود به مباحث صرفاً فنی یا جامعه‌شناختی - جز در حد ضرورت تبیین موضوع - پرهیز می‌شود. نوآوری پژوهش نیز در ارائه «مدل طبقه‌بندی حقوقی» برای دارایی‌های متاورسی در چهار دسته (حق قراردادی یا دینی، حق مالی مستقل، حق مبتنی بر مالکیت فکری و حق مرکب بر داده و حساب) و استخراج لوازم فقهی هر دسته متمرکز است.

درخصوص پیشینه، در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در ایران درباره ابعاد حقوقی و فقهی متاورس انجام شده است؛ برخی آثار به پیامدها و چالش‌های کلی حقوق فناوری پرداخته‌اند (Moradi Barlian, 2022) و برخی به موضوعات خاصی چون «هویت دیجیتال» و چالش‌های حقوقی آن توجه کرده‌اند (Latifzadeh & Qobouli-Darafshan, 2023). در حوزه فقه و حقوق رسانه، معامله «زمین مجازی» و مسائل مرتبط با غرر و ابهام بررسی شده است (Sadat-Tabatabaei et al., 2026; Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023) و مقاله‌ای

فقه امامیه در تحلیل مفهوم «مال» غالباً به عرف و سیره عقلاء تکیه می‌کند؛ با این قید که ارزش اقتصادی صرف، کافی نیست و باید ملاک‌هایی همچون رغبت عقلایی، نفع محلل، امکان اختصاص، و نیز قابلیت تسلیم و قبض (ولو به صورت قبض حکمی و انتقال کنترل یا دسترسی) احراز شود (Khoie, 1977; Khomeini, 1982). در دارایی‌های متاورسی، هرچند موضوع معامله غالباً غیرمادی است، اما در عمل، بازار، قیمت و قابلیت مبادله شکل گرفته و «مقصود عقلایی» برای تملک و انتفاع از آن وجود دارد؛ در عین حال، وابستگی دارایی به پلتفرم و امکان تغییر یک‌جانبه قواعد، شبهاتی مانند غرر و جهالت را تقویت می‌کند و می‌تواند بر تشخیص مالیت و قابلیت معامله اثر بگذارد (Sadat-Tabatabaei et al., 2026).

بر این اساس، در این بخش کوشش می‌شود با بازخوانی مبانی فقه امامیه در ابواب مکاسب و بیع، معیارهای تحقق مالیت استخراج و سپس بر انواع دارایی‌های مجازی در متاورس تطبیق شود تا روشن گردد کدام دسته از این دارایی‌ها واجد مالیت‌اند، کدام‌ها به دلیل فقدان نفع محلل یا ابهام فاحش و عدم قابلیت تسلیم، با تردید جدی مواجه‌اند، و چه شروط و ملاحظات می‌تواند معاملات آن‌ها را از حیث فقهی به سمت اطمینان و استقرار سوق دهد (Faezi & Bahram-Arjavand, 2024; Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

معیار رغبت عقلایی و نفع محلل

یکی از معیارهای مهم در تحقق مالیت، رغبت و اعتنای عقلایی به شیء است؛ یعنی چیزی در عرف عقلاء به گونه‌ای مطلوب باشد که حاضر شوند در برابر آن عوض بدهند. فقه در اینجا بر سیره عقلاء تکیه دارد (Ansari, 1971; Khoie, 1977). با این حال، مطلوبیت باید مبتنی بر «نفع محلل» باشد؛ یعنی منفعت مورد نظر مشروع و غیرحرام باشد (Khomeini, 1975). در متاورس، بسیاری از دارایی‌ها (زمین مجازی در پلتفرم‌های پرمخاطب، NFTهای کاربردی، آیتم‌های کمیاب بازی) دارای رغبت

اقتصادی و قابل نقل و انتقال باشد و موضوع دادوستد قرار گیرد (Katouzian, 2003). در مقابل، مالکیت به عنوان کامل‌ترین حق عینی، سلطه مستقیم و انحصاری مالک بر مال را بیان می‌کند؛ با این حال، در نظام حقوقی جدید، اقسام متنوعی از حقوق مالی و اموال غیرمادی (مانند حقوق مالکیت فکری) شکل گرفته‌اند که در آن‌ها، سلطه مالکانه از طریق قواعد خاص یا قرارداد محدود می‌شود (Sadeghi Neshat, 1997).

مفهوم مال و ملک در فقه امامیه

فقه امامیه در تحلیل «مال» از عرف و سیره عقلاء بهره می‌گیرد و در عین حال، قیودی همچون «نفع محلل»، «عدم حرمت تکلیفی»، و «قابلیت اختصاص» را برای شمول احکام مالی در نظر دارد (Ansari, 1971; Khomeini, 1975; Naraqi, 1975). مفهوم «ملک» نیز غالباً ناظر به رابطه اعتباری سلطنت و اختصاص است؛ رابطه‌ای که می‌تواند به عین، منفعت یا حق تعلق گیرد و از طریق سبب شرعی (عقد، ایقاع، ارث و...) ایجاد شود (Haeri, 1963; Najafi, 1984).

مالیت دارایی‌های مجازی در فقه امامیه

ورود دارایی‌های مجازی متاورسی به عرصه معاملات، پیش از هر چیز، مسئله «مالیت» را در فقه امامیه در کانون بحث قرار می‌دهد؛ زیرا بسیاری از احکام صحت و بطلان عقد، نفوذ معاوضات، ضمانات و نیز حرمت اکل مال به باطل، بر این پیش‌فرض استوار است که موضوع معامله «مال» باشد یا دست‌کم واجد «منفعت محلل» و قابلیت اختصاص و نقل و انتقال باشد (Ansari, 1971; Najafi, 1963). از این رو، پیش از ورود به مباحثی مانند ماهیت بیع زمین مجازی، خرید و فروش NFT، یا مبادله اقلام درون‌پلتفرمی، باید روشن شود که آیا این پدیده‌ها در نگاه فقهی، صرف «اعتبار و داده»‌اند یا می‌توانند در شمار اموال قرار گیرند و آثار تملک و معاوضه را برتابند.

عقلایی‌اند و کارکردهای اقتصادی - اجتماعی واقعی پیدا کرده‌اند. از این رو، اصلِ رغبت عقلایی، به‌طور کلی به نفع پذیرش مالیت آن‌هاست، مگر آن‌که کاربری غالب آن‌ها بر منفعت نامشروع یا قمارآلود استوار باشد.

قابلیت اختصاص و منع تزامم با حقوق دیگران

قابلیت اختصاص به معنای امکان نسبت دادن مال به شخص خاص و امکان منع دیگران از تصرف در آن است. در دارایی‌های دیجیتال، این قابلیت غالباً از طریق رمزنگاری، کنترل دسترسی، و سازوکارهای حساب کاربری تحقق می‌یابد. اگر دارایی صرفاً داده‌ای آزاد و فاقد امکان انحصار باشد، دشوار می‌توان آن را مال به معنای معاملاتی دانست. در متاورس، دارایی‌های مبتنی بر توکن یا آیتم‌های ثبت‌شده در حساب کاربری، عموماً قابلیت اختصاص دارند. البته باید توجه داشت که اختصاص ممکن است «محدود» باشد؛ زیرا پلتفرم گاه توان تعلیق، حذف یا محدودسازی را دارد. این وضعیت، مسئله «حدود سلطنت» و «شرط ضمن عقد» را برجسته می‌کند (Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

قابلیت تسلیم و قبض حکمی در دارایی‌های دیجیتال

از شرایط اصلی صحت بسیاری از معاملات، امکان تسلیم مبیع و قبض آن است؛ زیرا معامله بر چیزی که قابل تسلیم نیست، منشأ نزاع و غرر می‌شود (Khomeini, 1982; Naeini, 1973). در دارایی‌های دیجیتال، تسلیم به معنای انتقال فیزیکی مطرح نیست؛ بلکه انتقال «کنترل»، «کلید خصوصی»، یا «حق دسترسی» تحقق قبض را ممکن می‌سازد. از این رو، می‌توان از مفهوم «قبض حکمی» بهره گرفت: هرگاه عرفاً انتقال سلطه و امکان بهره‌برداری برای مشتری محقق شود، قبض نیز محقق است. در دارایی‌های درون‌پلتفرمی، تسلیم گاه منوط به استمرار خدمات پلتفرم است؛ این امر، لزوم شرط ضمانت خدمت و تبیین وضعیت تعطیلی سرویس را برجسته می‌کند.

غرر، جهالت و ابهام در معامله دارایی‌های متاورسی

غرر به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی فقه معاملات، ناظر به خطر و ابهامی است که عرفاً موجب نزاع و عدم اطمینان در معامله می‌شود (Ansari, 1971; Montazeri Najafabadi, 1975). در دارایی‌های متاورسی، منشأهای غرر متعدد است: الف) ابهام در دوام منفعت (امکان تعطیلی پلتفرم یا تغییر سیاست)؛ ب) ابهام در حدود اختیار پلتفرم برای حذف دارایی یا تعلیق حساب؛ ج) عدم شفافیت در کمیابی واقعی یا عرضه ثانویه؛ د) نوسان شدید ارزش. پژوهش‌های داخلی نیز به‌طور خاص، شبهه غرری بودن معامله دارایی‌های دیجیتال در متاورس را کاویده‌اند (Sadat-Tabatabaei et al., 2026). پاسخ فقهی به غرر، نفی مطلق معاملات پرریسک نیست؛ بلکه معیار، وجود ابهام فاحش و منشأ نزاع است. بنابراین، با تعیین اوصاف دارایی، شفاف‌سازی حقوق و تعهدات پلتفرم، و پیش‌بینی ضمانت اجراها، می‌توان بسیاری از موارد غرر را به سطح قابل قبول عرفی کاهش داد.

قمار، اکل مال به باطل و ملاحظات مشروعیت

در فقه امامیه، «مالیت» صرفاً به این معنا نیست که چیزی قیمت پیدا کند یا در بازار خرید و فروش شود؛ بلکه مال قابل معامله باید در نهایت به «نفع محلل» (منفعت مشروع) برگردد و مسیر تملک و انتقال آن نیز به‌گونه‌ای باشد که عنوان‌های محرم قمار یا اکل مال به باطل بر آن صدق نکند. به همین دلیل، ممکن است یک دارایی متاورسی از حیث قابلیت اختصاص، رغبت عقلایی و حتی امکان تسلیم، واجد مالیت باشد، اما شیوه عرضه یا نحوه کسب درآمد از آن، معامله را از مشروعیت خارج کند. پس «پذیرش مالیت» شرط لازم است، نه شرط کافی.

امکان تحقق قمار در سازوکارهای متاورسی

قمار در تحلیل فقهی معمولاً زمانی مطرح می‌شود که تملک مال یا کسب سود، به «بخت و اتفاق» گره بخورد و طرفین در معرض «برد و باخت مالی» قرار گیرند؛ یعنی مالی از یک طرف به طرف

«پرداخت سود قدیمی‌ها از سرمایه جدیدها» شکل می‌گیرد. در مدل‌های پانزی یا هرمی، دقیقاً همین اتفاق رخ می‌دهد: سود واقعی تولید نمی‌شود؛ صرفاً پول از تازه‌واردان به قدیمی‌ترها منتقل می‌گردد. چنین ساختاری -اگر توکن یا NFT به‌ظاهر خرید و فروش شود- از حیث فقهی می‌تواند مصداق روشن اکل مال به باطل باشد، چون مبادله بر پایه فریب یا عدم استحقاق عرفی استوار است.

(د) چرا «مالیت» مساوی «مشروعیت» نیست؟

ممکن است یک دارایی دیجیتال واقعاً دارای منفعت عقلایی باشد (مثلاً دسترسی به یک خدمت، حق استفاده از یک فضای مجازی، یا مالکیت یک اثر هنری دیجیتال) و از این جهت «مال» باشد؛ اما اگر همان دارایی:

با شرط‌بندی و برد و باخت مالی به دست آید، یا

با سازوکار فریبنده و فاقد شفافیت اقتصادی عرضه شود، یا

کاربری غالب آن به امور نامشروع گره بخورد،

دیگر صرف مال بودن آن، مشروعیت معامله را تضمین نمی‌کند. این دقیقاً همان نکته‌ای است که در معاملات مرتبط با ارزهای دیجیتال هم مطرح می‌شود: اصل وجود منفعت و امکان مبادله، یک بحث است؛ اما مشروعیت روش تحصیل، نبود فریب، نبود قمار/بازار، و رعایت قواعد معاملاتی (مانند پرهیز از غرر فاحش) بحث دیگری است (Zare et al., 2023).

(ه) نتیجه فقهی عملی برای تحلیل دارایی‌های متاورسی

پس در بررسی «مالیت» دارایی‌های متاورسی، باید هم‌زمان دو لایه را دید:

لایه موضوع: آیا دارایی منفعت محلل، رغبت عقلایی، قابلیت اختصاص و قابلیت تسلیم عرفی دارد؟

لایه سازوکار/کاربرد: آیا شیوه عرضه و تملک آن، یا کاربری غالب آن، مبتلا به قمار، فریب سازمان‌یافته، یا اکل مال به باطل است؟

دیگر منتقل شود بدون این‌که مبنای عقلایی معاوضه (کالا یا خدمت معین یا منفعت مشخص) وجود داشته باشد. در برخی زیست‌بوم‌های متاورسی، سازوکارهایی مثل «جعبه‌های شانس» (Loot Box)، قرعه‌کشی‌های درون‌برنامه‌ای، یا شرط‌بندی روی نتایج بازی یا رقابت، می‌تواند همین ساختار را ایجاد کند: کاربر پول یا توکن می‌پردازد، اما عوض او «مجهول» و وابسته به شانس است؛ ممکن است آیتمی بسیار ارزشمند یا آیتمی کم‌ارزش نصیبش شود. اینجا بحث فقط «ابهام» نیست؛ بلکه اگر ماهیت پرداخت به نحوی باشد که عنصر برد و باخت مالی بر پایه تصادف شکل بگیرد، عنوان قمار یا دست‌کم عنوان‌های نزدیک به آن تقویت می‌شود. از این رو، حتی اگر خود آیتم‌ها در بازار ثانویه قیمت داشته باشند، راه تملک آن‌ها (از طریق بخت‌آزمایی) می‌تواند محل اشکال باشد. (Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

رابطه قمار با غرر و جهالت

گاهی تصور می‌شود هر جا «جهالت» هست، قمار هم هست؛ در حالی‌که این دو یکی نیستند. غرر بیشتر به «ابهام فاحش منشأ نزاع» برمی‌گردد؛ اما قمار ناظر به «ساختار برد و باخت مالی» است. ممکن است معامله‌ای غرری باشد ولی قمار نباشد، و برعکس. در جعبه‌های شانس، هم جهالت وجود دارد (مورد معامله دقیقاً معلوم نیست) و هم امکان تحقق ساختار برد و باخت؛ لذا اشکال شدیدتر می‌شود. (Sadat-Tabatabaei et al., 2026)

اکل مال به باطل در پروژه‌های پانزی یا هرمی و توکن‌های بی‌پشتوانه

اکل مال به باطل عنوانی عام‌تر است و شامل هر نوع تملک و انتقال مال از طرق نامشروع، فریب‌آلود یا فاقد مبنای عقلایی می‌شود. در برخی پروژه‌های متاورسی یا توکنی، ارزش‌گذاری دارایی‌ها نه از یک کارکرد واقعی و منفعت محلل، بلکه از «تبلیغات اغواگرانه»، «دستکاری بازار»، «وعده‌های غیرواقعی سود تضمین‌شده»، یا

اگر در لایه اول پاسخ مثبت باشد ولی در لایه دوم عنوان محرم صدق کند، نتیجه این می شود که «اصل دارایی می تواند مال باشد»، اما «معامله یا روش تحصیل آن در این قالب خاص نامشروع است». همین تمایز، کلید تحلیل دقیق در فقه معاملات متاورس است.

مالکیت دارایی های مجازی در فقه امامیه

پس از احراز یا ردّ «مالیت» دارایی های مجازی، گام بعدی در تحلیل فقهی، تبیین «مالکیت» و حدود آن است؛ زیرا در فقه امامیه، بسیاری از آثار حقوقی مانند جواز تصرف، قابلیت نقل و انتقال، ضمان ید و امکان استیفای منافع، بر تحقق رابطه اعتباری «ملک» و «اختصاص» مبتنی است (Najafi, 1963; Haeri, 1984). در نگاه فقهی، مالکیت صرفاً یک امر مادی و محسوس نیست، بلکه نهادی اعتباری است که شارع و عرف عقلاء آن را برای تنظیم روابط اقتصادی و جلوگیری از تراحم منافع اعتبار می کنند؛ از همین رو، در کنار مالکیت بر اعیان خارجی، مالکیت بر منافع، دیون و برخی حقوق مالی نیز در فقه پذیرفته شده و قابلیت انتقال و ضمان را یافته است (Khomeini, 1982; Ansari, 1971).

این ظرفیت اعتباری، زمینه را برای طرح این پرسش فراهم می سازد که آیا دارایی های متاورسی - که غالباً بر داده، کُد، حساب کاربری یا توکن های بلاکچینی مبتنی اند - می توانند موضوع ملکیت قرار گیرند، و اگر آری، ملکیت آن ها از سنخ «عین»، «منفعت» یا «حق» است؟

در دارایی های متاورسی، مسئله مالکیت با پیچیدگی های ویژه ای همراه است؛ زیرا قلمرو سلطنت کاربر معمولاً در بستر پلتفرم خصوصی و تحت «شروط استفاده» تعریف می شود. بدین معنا که حتی اگر دارایی، قابل مبادله و دارای ارزش اقتصادی باشد، استمرار انتفاع و حتی بقای آن ممکن است به تصمیم های مدیریتی پلتفرم، تغییرات نرم افزاری، یا قواعد شبکه وابسته باشد. از این رو، بحث مالکیت در این حوزه ناگزیر با مباحثی مانند «حدود تسلیط»، «اعتبار شروط ضمن عقد»، «تعیین موضوع ملکیت» و نیز «نقش

عرف و سیره عقلاء در توسعه اسباب تملک» گره می خورد (Khomeini, 1982; Khoei, 1977). افزون بر این، باید روشن شود که انتقال دارایی متاورسی در قالب بیع یا صلح یا اجاره چگونه صورت می گیرد، قبض و اقباض آن چه ماهیتی دارد، و در صورت تعارض میان ادعای مالکیت کاربر و اختیارهای پلتفرم برای تعلیق یا حذف دارایی، کدام مبنا در فقه قابل اتکاتر است.

بر همین اساس، این بخش می کوشد با تکیه بر مبانی فقه امامیه در ابواب مکاسب و بیع و قواعد عامی چون «اوفوا بالعقود» و «تجاره عن تراض» و همچنین با توجه به قاعده تسلیط و نقش عرف در تعیین موضوعات، امکان تصور مالکیت اعتباری بر دارایی های مجازی را توضیح دهد، اقسام و حدود آن را (به تفکیک عین اعتباری، منفعت و حق) صورت بندی کند، و نشان دهد که تثبیت این مالکیت در عمل، بیش از هر چیز به «شفافیت تعهدات پلتفرم»، «تعیین دقیق موضوع و حدود حق»، و «تنظیم شروط معتبر» وابسته است (Shamshiri & Sadat-Tabatabaei et al., 2026; Amirabadi Farahani, 2023).

مالکیت به مثابه رابطه اعتباری سلطنت

در فقه، مالکیت غالباً یک امر اعتباری است که از سوی شارع و عقلاء اعتبار می شود و آثار مشخصی مانند جواز تصرف، نقل و انتقال و ضمان غاصب را در پی دارد (Najafi, 1984; Haeri, 1963). این نگاه اعتباری، امکان تعمیم مفهوم مالکیت به پدیده های نوین را فراهم می کند، مشروط به آن که موضوع ملکیت، قابل اختصاص و دارای منفعت محلل باشد. بنابراین، اگر دارایی متاورسی واجد مالیت باشد، اصل امکان اعتبار ملکیت نیز منتفی نیست.

عین، منفعت و حق در تحلیل دارایی متاورسی

یکی از دشواری های اصلی، تعیین آن است که دارایی متاورسی از سنخ «عین» است یا «منفعت» یا «حق». اگر دارایی به صورت توکن یکتا در بلاکچین باشد، می توان آن را «عین اعتباری» یا «مال

قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» دلالت می‌کند که مالک در محدوده شرع، بر مال خود سلطه دارد: می‌تواند منتقل کند، صلح کند، اجاره دهد، و... پس اگر ثابت شد یک دارایی متاورسی «مال» یا «حق مالی» است، اصل سلطنت مالک بر نقل و انتقال آن پذیرفته می‌شود؛ مگر این‌که مانع شرعی خاص (مثل غرر فاحش یا قمار) وجود داشته باشد (Ansari, 1971; Khomeini, 1982).

اصل اباحه و اصل صحت در معاملات

در موارد شک، فقه غالباً از «اصل اباحه» و «اصل صحت» برای تقویت امکان اقدام‌های اقتصادی استفاده می‌کند؛ یعنی تا وقتی حرمت یا فساد ثابت نشده، رفتارهای عقلایی مالی بر جواز و صحت حمل می‌شوند. این اصول، زمینه پذیرش «قراردادهای جدید» و «موضوعات جدید» را فراهم می‌سازد (Naeini, 1973).

همه این ادله، یک قید جدی دارند، یعنی اگر قرارداد یا موضوع معامله مبتلا به ربا، غرر فاحش، قمار، اکل مال به باطل یا «عدم امکان تسلیم» باشد، دیگر عمومات و قواعد عام نمی‌توانند آن را تصحیح کنند. لذا در دارایی‌های متاورسی، برای تقویت نفوذ معامله باید موضوع دقیقاً تعریف شود (مثلاً مشخصات توکن یا NFT، سطح دسترسی، حقوق انتقال، کارمزدها)، تسلیم عرفاً ممکن باشد (در قالب قبض حکمی، مثل انتقال کنترل یا کلید یا دسترسی)، و اختیارات پلتفرم که ممکن است موجب جهالت و غرر شود، شفاف و مقید گردد (Ansari, 1971; Khomeini, 1982; Naeini, 1973).

۴-۴. تعارض سلطنت مالکانه کاربر با اختیارات پلتفرم

ویژگی ساختاری متاورس آن است که بسیاری از دارایی‌ها در بستر پلتفرم‌های خصوصی شکل می‌گیرند؛ بنابراین، کاربر در کنار تملک دارایی، تابع شروط استفاده و سیاست‌های پلتفرم است. این وضع، پرسش از حدود تسلیط را به صورت نو مطرح می‌کند: آیا پلتفرم

مستقل اعتباری دانست؛ اما اگر دارایی صرفاً امتیازی وابسته به حساب کاربری و شروط پلتفرم باشد، بیشتر به «حق قراردادی» یا «حق انتفاع وابسته به خدمت» شباهت دارد. این تمایز در فقه آثار دارد: مثلاً در بیع، تعیین مبیع و امکان قبض، و در اجاره، تعیین منفعت و مدت (Khoei, 1978; Khomeini, 1982).

ادله امکان تملک و نقل و انتقال

مقصود از این گزاره آن است که فقه امامیه، برای «اصل امکان تملک و نقل و انتقال دارایی‌های نوپدید» یک مبنای عام و انعطاف‌پذیر دارد؛ یعنی تا وقتی دلیل خاص بر منع وجود نداشته باشد، اصل بر صحت و نفوذ معاملات و قراردادهاست. این نتیجه از چند پایه مهم به دست می‌آید:

عمومات وفای به عقد و تجارت بر تراضی

آیه «اوفاوا بالعقود» (مائده: ۱) و نیز «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) پشتوانه فقهی قاعده‌ای است که می‌گوید: هرگاه طرفین با رضایت، عقدی را منعقد کنند، اصل بر لزوم وفا و نفوذ آن است؛ بنابراین «جدید بودن موضوع» (مثل دارایی متاورسی) فی نفسه مانع نیست، مگر آن‌که عنوان محرم بر آن صدق کند (Ansari, 1971; Khomeini, 1982).

سیره عقلاء به عنوان معیار عرفی اعتبار معاملات

بخش زیادی از «موضوعات مالی» در فقه با عرف و سیره عقلاء سنجیده می‌شود: اگر عقلاء چیزی را دارای ارزش اقتصادی بدانند و برای آن مبادله معتبر قائل شوند، اصل امکان اعتبار آن در معاملات تقویت می‌شود؛ مگر این‌که شارع نهی خاصی آورده باشد. در دارایی‌های متاورسی، اگر نوعی دارایی در عرف بازار، قابل اختصاص، قابل مبادله، و دارای منفعت محلل باشد، سیره عقلاء می‌تواند در کنار عمومات، پشتوانه پذیرش اصل نقل و انتقال آن باشد (Naeini, 1973).

قاعده تسلیط و اختیار مالک در نقل مال

دارایی‌های وابسته به خدمت، ممکن است به جای بیع عین، باید از قراردادهای مختلط یا صلح بر حق استفاده بهره گرفت.

غرر، مجهول بودن مورد معامله و لزوم تعیین اوصاف

یکی از مبانی بطلان یا عدم نفوذ معاملات در حقوق مدنی، مجهول بودن مورد معامله و عدم امکان تسلیم است. اگر دارایی متاورسی به گونه‌ای باشد که حدود آن، کیفیت بهره‌برداری و دوام آن مبهم باشد، می‌تواند منشأ نزاع و خدشه به صحت قرارداد شود. از این رو، تنظیم قراردادهای متاورسی نیازمند تعیین دقیق موضوع (شناسه توکن/آیتم، سطح دسترسی، مدت، حق انتقال ثانویه، کارمزدها، شرایط تعلیق) است. پژوهش‌های فقهی نیز بر همین ضرورت برای رفع غرر تأکید دارند (Sadat-Tabatabaei et al., 2026).

۵-۴. ضمان قهری و حمایت از دارایی‌های مجازی

چنانچه دارایی متاورسی به عنوان مال یا حق مالی شناسایی شود، قواعد مسئولیت مدنی و ضمان قهری نیز قابلیت اعمال می‌یابد؛ از جمله اتلاف و تسبیب و مسئولیت ناشی از تقصیر. در صورت هک و سرقت دارایی دیجیتال، مسئله تعیین مالک، امکان تعقیب متصرف غیرمجاز و نیز مسئولیت پلتفرم در تأمین امنیت فنی مطرح می‌شود. هرچند قواعد کلاسیک غصب ناظر به اعیان مادی است، اما می‌توان با توسعه مفهومی و با تکیه بر حق مالی، حمایت‌های مشابهی را توجیه کرد (Emami, 1956; Katouzian, 2003).

مدل پیشنهادی طبقه‌بندی حقوقی و راهکارها

طبقه‌بندی چهارگانه دارایی‌های متاورسی

با تلفیق یافته‌های فقهی و حقوقی، دارایی‌های متاورسی را می‌توان در چهار دسته تحلیل کرد:

الف) حق قراردادی یا دینی: آیتم‌ها و امتیازات صرفاً وابسته به حساب کاربری که بدون رضایت پلتفرم قابل انتقال نیستند.

ب) حق مالی مستقل (عین اعتباری): توکن‌های یکتا یا دارایی‌های ثبت‌شده با قابلیت انتقال عرفی و بازار ثانویه.

می‌تواند به طور یک‌جانبه دارایی را حذف کند؟ پاسخ فقهی - حقوقی تا حد زیادی به تحلیل قرارداد و شروط ضمن عقد بازمی‌گردد. اگر در شروط، حق تعلیق یا حذف به صورت مبهم و گسترده درج شده باشد، ممکن است از حیث غرر یا شرط خلاف مقتضای عقد، مورد تردید قرار گیرد؛ اما اگر حدود اختیار روشن و متناسب با کارکرد امنیتی/قانونی باشد، می‌تواند معتبر تلقی شود. پژوهش‌های داخلی درباره معامله زمین مجازی نیز همین تعارض را برجسته کرده‌اند (Shamshiri & Amirabadi, Farahani, 2023).

مالیت و مالکیت دارایی‌های متاورسی در حقوق مدنی ایران

۵-۱. توسعه مفهوم مال و پذیرش اموال غیرمادی

در حقوق ایران، گرچه قانون مدنی در بستر اموال مادی تدوین شده، اما مفهوم مال عرفی و منعطف است و پذیرش حقوق مالکیت فکری و اموال غیرمادی نشان می‌دهد که نظام حقوقی می‌تواند از چارچوب عین مادی فراتر رود (Katouzian, 2003; Sadeghi Neshat, 1997). همچنین در ادبیات حقوقی، تمایز میان «شیء» و «حق» اهمیت دارد: بسیاری از دارایی‌های مدرن، نه شیء محسوس، بلکه «حق مالی» هستند (Jafari Langroudi, 1999). بنابراین، دارایی متاورسی می‌تواند به عنوان حق مالی قابل تملک و نقل و انتقال مورد شناسایی قرار گیرد.

قالب‌های قراردادی انتقال دارایی متاورسی

از حیث قالب حقوقی، انتقال دارایی‌های متاورسی می‌تواند در قالب‌های گوناگون انجام شود: الف) بیع: در صورتی که دارایی به عنوان مال معین یا کلی در معین قابل تعیین باشد؛ ب) صلح: به عنوان ابزار انعطاف‌پذیر برای نقل و اسقاط حقوق مالی؛ ج) اجاره/اجاره خدمات: در مواردی که موضوع اصلی، منفعت استفاده از فضای مجازی یا خدمات پلتفرم است؛ د) هبه و معاوضه. در تحلیل عقود تملیکی، توجه به معوض بودن، قابلیت تسلیم و تعیین مبیع لازم است (Adl, 1963; Katouzian, 1992).

بگذارند که حدود و قیود اختیار پلتفرم را روشن کند و آثار تخلف را تعیین نماید (Haeri, 1984; Khomeini, 1982).

بنابراین، وقتی موارد تعلیق یا حذف احصاء و محدود شود (مثل: تخلف اثبات شده، حکم قانونی، امنیت شبکه)، ابهام فاحش از بین می‌رود. وقتی «فرآیند» روشن شود (اخطار، حق اعتراض، مهلت اصلاح)، احتمال نزاع کاهش می‌یابد. وقتی «ضمانت اجرا» تعیین شود (بازگردانی دارایی، پرداخت بدل، یا فسخ با استرداد ثمن)، حق مالی کاربر تثبیت می‌شود.

این شروط می‌تواند از نوع شرط فعل باشد (پلتفرم متعهد شود در صورت حذف غیرموجه جبران کند)، یا شرط صفت (دارایی دارای وصف «قابل انتقال بودن» یا «عدم حذف بدون سبب» باشد). در فقه، اصل بر صحت شرط است مگر این‌که خلاف کتاب و سنت یا خلاف مقتضای عقد باشد (Ansari, 1971; Naeini, 1973). پژوهش‌های متاورسی نیز همین نقطه را کانون نزاع دانسته‌اند: «قدرت یک‌جانبه پلتفرم» اگر مهار نشود، معامله را در معرض غرر و بی‌ثباتی قرار می‌دهد (Shamshiri & Amirabadi, 2023; Farahani, 2023).

شرط تضمین حداقل مدت خدمت یا پیش‌بینی راه‌حل در صورت تعطیلی سرویس

در دارایی‌های متاورسی وابسته به خدمت، ارزش دارایی غالباً به «استمرار سرویس» گره خورده است. اگر سرویس تعطیل شود یا قابلیت‌ها حذف گردد، منفعت از بین می‌رود. این یعنی موضوع معامله، از نگاه عرفی، با خطر زوال جدی همراه است و می‌تواند غرر ایجاد کند. فقه برای این وضعیت دو مسیر دارد؛ یکی، تضمین حداقل مدت خدمت (تعهد به استمرار بهره‌برداری برای مدت معین). و دیگری، تعیین تکلیف در حالت تعطیلی یا اختلال اساسی (حق فسخ، استرداد ثمن، یا پرداخت بدل) (Khoei, 1978; Khomeini, 1982). بنابراین، وقتی مدت خدمت معلوم شود، جهالت درباره «دوام منفعت» کاهش می‌یابد. وقتی «سناریوی

ج) حقوق مبتنی بر مالکیت فکری: طرح‌های دیجیتال، آثار هنری NFT شده، و اقلام خلاقانه.

د) حق مرکب بر داده و حساب: ارزش اقتصادی ناشی از هویت دیجیتال، اعتبار آواتار و داده‌های تولید شده. هر دسته، آثار فقهی - حقوقی خاصی دارد و تعیین قالب عقد و شروط مناسب، بر اساس همین طبقه‌بندی ممکن می‌شود. (Zare et al., 2023)

راهکارهای فقهی برای کاهش غرر و تثبیت حقوق

غالب اشکالات فقهی معاملات دارایی‌های متاورسی، به «غرر و جهالت» برمی‌گردد؛ نه به اصل امکان مالیت یا امکان انعقاد عقد. منشأ غرر در این حوزه معمولاً سه چیز است: ابهام در موضوع و اوصاف دارایی (چه چیزی دقیقاً منتقل می‌شود؟)، ابهام در قابلیت تسلیم و قبض (چگونه سلطه منتقل می‌شود؟)، و ابهام در دوام منفعت و حدود اختیار پلتفرم (آیا پلتفرم می‌تواند یک‌جانبه حذف یا تعلیق کند؟). از منظر فقه امامیه، هر جا این ابهام‌ها «فاحش» و «منشأ نزاع عرفی» باشد، معامله با خطر بطلان یا دست‌کم نزاع و عدم استقرار مواجه می‌شود؛ بنابراین راهکارهای فقهی باید به گونه‌ای طراحی شوند که این ابهام‌ها را کاهش دهند و حق مالی کاربر را قابل دفاع و قابل پیگیری کنند (Ansari, 1971; Khomeini, 1982; Sadat-Tabatabaei et al., 2026).

شرط ضمن عقد درباره حدود اختیار پلتفرم

در بسیاری از پلتفرم‌ها، «شرایط استفاده» (TOS) اختیارات گسترده‌ای برای تعلیق حساب، حذف دارایی، یا تغییر قواعد می‌دهد. اگر این اختیارات مبهم، موسّع و غیرقابل پیش‌بینی باشد، خود این ابهام می‌تواند منشأ غرر شود؛ چون مشتری نمی‌داند سلطه‌اش بر دارایی تا کجا پایدار است. فقه امامیه برای مهار این وضعیت، ابزار قدرتمندی به نام شرط ضمن عقد دارد؛ یعنی طرفین می‌توانند در متن قرارداد اصلی (بیع یا صلح یا اجاره) شروطی

تعطیلی» از قبل تعیین شود، نزاع‌های پسینی کم می‌شود و معامله از حالت مبهم خارج می‌گردد.

پیشنادهای قراردادی دقیق را می‌توان چنین ترسیم کرد؛ مثل تعیین «حداقل مدت پشتیبانی یا فعال بودن دارایی» (مثلاً ۱۲ ماه)، شرط «حق فسخ» برای خریدار اگر قابلیت اصلی دارایی از بین رفت و شرط «بازخرید» یا «پرداخت بدل» اگر سرویس پایان یافت. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که در تحلیل غرر دارایی‌های متاورسی برجسته شده: دوام و قابلیت اتکا، اگر روشن نشود، معامله را مستعد غرر می‌کند (Sadat-Tabatabaei et al., 2026).

تعیین دقیق اوصاف دارایی و شیوه قبض حکمی

در فقه، یکی از منشأهای غرر، جهالت در مبیع یا مورد صلح است؛ یعنی معلوم نبودن اوصاف مؤثر. از سوی دیگر، امکان تسلیم و قبض نیز نقش کلیدی دارد؛ چون اگر تسلیم عرفاً ممکن نباشد یا قبض قابل تحقق نباشد، معامله در معرض اشکال قرار می‌گیرد (Ansari, 1971; Khomeini, 1982).

برای این منظور باید امور متعددی مورد تدقیق واقع شود؛ مثل شناسه دارایی (Token ID و شماره آیتم و لینک ثبت)، سطح و نوع حقوق منتقل شده (حق فروش مجدد؟ حق اجاره؟ حق نمایش عمومی؟)، محدودیت‌های انتقال (کارمزدها، محدودیت جغرافیایی، محدودیت حساب) و ریسک‌ها و وابستگی‌ها (وابستگی به نسخه نرم‌افزار، نیاز به اشتراک).

باید توجه داشت که در اموال دیجیتال، قبض فیزیکی معنا ندارد؛ اما در عرف، وقتی «سلطه و امکان تصرف» منتقل شود، قبض محقق است. نمونه‌های عرفی قبض حکمی در این حوزه، مثل انتقال کلید خصوصی و کیف پول (در توکن‌ها)، انتقال دسترسی و اختیار تصرف در حساب یا دارایی (در اقلام درون‌پلتفرمی)، و ثبت انتقال در دفترکل یا سیستم پلتفرم به‌نحوی که قابلیت تصرف برای منتقل‌آلیه ایجاد شود. این تعیین دقیق، هم جهالت را رفع می‌کند و

هم شرط تسلیم عرفی را تقویت می‌نماید (Khomeini, 1982; Naeini, 1973).

استفاده از عقد صلح برای انتقال حقوق مالی پیچیده و ترکیبی بخشی از دارایی‌های متاورسی، «عین روشن» به معنای کلاسیک نیستند؛ بلکه ترکیبی از حق دسترسی، حق بهره‌برداری، حق انتقال، و گاه حق مبتنی بر داده یا هویت دیجیتال‌اند. در این موارد، بیع ممکن است به دلیل ابهام در این که «عین چیست؟» یا «مبیع دقیقاً کدام است؟» با دشواری مواجه شود. فقه امامیه برای چنین مواردی، عقدی بسیار انعطاف‌پذیر به نام صلح دارد که می‌تواند برای انتقال و تنظیم حقوق مالی به کار رود، حتی جایی که قالب‌های متعارف، مثل بیع یا اجاره، به لحاظ فنی یا مفهومی سخت می‌شوند (Haeri, 1984; Khomeini, 1982).

مزیت صلح برای کاهش غرر از این جهت است که صلح می‌تواند بر «حق» واقع شود؛ یعنی موضوع، «حق مالی استفاده یا انتقال» تعریف شود نه الزاماً عین خارجی. صلح اجازه می‌دهد مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات در یک متن یکپارچه بیاید و ابهام کمتر شود. می‌توان در صلح، شروط گسترده‌تری برای تضمین حقوق و جبران خسارت گنجانید. کاربرد عملی صلح در متاورس می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد، مثلاً صلح حق استفاده از یک زمین مجازی برای مدت معین، صلح حق انتقال و بهره‌برداری از یک آیتم کمیاب همراه با شروط مربوط به پلتفرم، و صلح حقوق مالی ناشی از هویت یا آواتار (در حدی که نفع محلل و قابلیت اختصاص دارد). برخی از تحلیل‌های داخلی نیز به همین سمت می‌روند که برای پدیده‌های پیچیده متاورسی، قالب‌های انعطاف‌پذیر باید پررنگ شود (Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

تصریح به سازوکار حل اختلاف و داوری تخصصی

حتی با بهترین شروط، اختلاف در معاملات دیجیتال محتمل است: اختلاف بر سر تحقق انتقال، وقوع تخلف، یا تفسیر شروط پلتفرم. در فقه، ارجاع اختلاف به تحکیم یا داوری به‌عنوان راهی برای

متاورسی «مال» اند یا صرفاً «امتیاز قراردادی»، زمینه تشتت در تصمیم‌گیری قضایی و ضعف حمایت‌های حقوقی را فراهم کرده است. قانون‌گذار می‌تواند با الهام از ظرفیت‌های موجود در حقوق ایران درباره اموال غیرمادی و حقوق مالی، چارچوبی ارائه دهد که امکان تملک، انتقال و مطالبه خسارت نسبت به این دارایی‌ها روشن‌تر شود (Katouzian, 2003).

دوم، پیشنهاد می‌شود قواعد تکمیلی درباره مالکیت و انتقال دارایی‌های درون‌پلتفرمی و توکنی تدوین گردد. تفاوت بنیادین میان دارایی‌های وابسته به حساب کاربری و دارایی‌های مبتنی بر توکن، اقتضا می‌کند قانون‌گذار یا نهاد تنظیم‌گر، قواعدی وضع کند که حدود «حق کاربر»، «حق پلتفرم» و «حق اشخاص ثالث» را در هر دسته مشخص سازد. در این چارچوب، حمایت از مصرف‌کننده دیجیتال اهمیت ویژه دارد؛ به‌ویژه با الزام پلتفرم‌ها به شفافیت شروط (مثل حدود تعلیق یا حذف، کارمزدها، محدودیت‌های انتقال، و وضعیت تعطیلی سرویس) و ممنوعیت شروطی که به‌طور نامتعارف و مبهم، حقوق مالی کاربر را تضعیف می‌کند. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که ابهام در شروط و عدم پیش‌بینی وضعیت‌های بحرانی، از عوامل اصلی تشدید غرر و بی‌ثباتی معاملات متاورسی است (Sadat-Tabatabaei et al., 2026; Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

سوم، لازم است مسئولیت‌های حداقلی پلتفرم‌ها در سه حوزه «امنیت»، «اطلاع‌رسانی» و «مدیریت ریسک» شناسایی و تقنین شود. در عمل، بخش مهمی از زیان‌های کاربران ناشی از نقص‌های امنیتی، نشت داده، ضعف احراز هویت، یا تغییرات ناگهانی سیاست‌های پلتفرم است. اگرچه در برخی موارد می‌توان با تحلیل قراردادی به مسئولیت رسید، اما تعیین «حداقل استانداردهای الزام‌آور» (مانند الزامات امنیتی، گزارش‌دهی رخدادهای مهم، و اعلام تغییرات مؤثر بر حقوق مالی کاربران) می‌تواند نقش پیشگیرانه داشته باشد و از انتقال نامتوازن ریسک به کاربران

فصل خصومت مورد توجه بوده است و در عمل نیز، به‌ویژه در روابط پیچیده و تخصصی، نقش مهمی در کاهش نزاع دارد (Haeri, 1984). تحکیم یا داوری، می‌تواند غرر و بی‌ثباتی را کم می‌کند؛ زیرا غرر فقط «ابهام در لحظه عقد» نیست؛ یکی از آثارش «نزاع‌خیزی» است. وقتی طرفین از ابتدا مرجع رسیدگی را تعیین کنند، قانون یا ضوابط حاکم (شرع یا قانون ایران یا قواعد پلتفرم) را مشخص کنند، و شیوه اثبات فنی (لاگ‌ها، هش تراکنش، سوابق زنجیره) را بپذیرند. با این روش، احتمال نزاع طولانی و بی‌نتیجه کاهش می‌یابد و این به «استقرار» حق مالی کمک می‌کند. پیشنهادهای دقیق برای متن شرط داوری می‌تواند چنین باشد: تعیین داور یا مرکز داوری متخصص در فناوری و بلاک‌چین، تعیین زبان و محل داوری و شیوه ابلاغ الکترونیکی، پذیرش ادله فنی به‌عنوان دلیل معتبر (سوابق بلاک‌چین، سوابق پلتفرم). این راهکار، مکمل شروط قبلی است و در عمل، ضامن اجرای آن‌هاست.

پیشنهادهای تقنینی و سیاست‌گذاری در ایران

با توجه به خلأهای موجود در حقوق موضوعه ایران درباره شناسایی و حمایت از دارایی‌های مجازی متاورسی، به نظر می‌رسد رویکرد تقنینی و سیاست‌گذاری باید هم‌زمان دو هدف را دنبال کند: از یک سو، تسهیل نوآوری و گردش اقتصادی دارایی‌های دیجیتال و از سوی دیگر، کاهش ریسک‌های معاملاتی و حمایت مؤثر از حقوق مالی کاربران. ادبیات حقوق فناوری نیز نشان می‌دهد که مواجهه منفعلانه با متاورس، به افزایش تعارضات قراردادی، رشد کلاهبرداری‌های دیجیتال و تضعیف اعتماد عمومی به بازارهای نوپدید می‌انجامد (Moradi Barlian, 2022). از این رو، پیشنهاد می‌شود در سطح قانون‌گذاری و تنظیم‌گری، چند اقدام مکمل به‌صورت هم‌افزا دنبال شود.

نخست، ضروری است تعریف قانونی «دارایی دیجیتال/مجازی» ارائه و این دارایی‌ها به‌عنوان «موضوع حق مالی» شناسایی شوند. در حال حاضر، تردیدهای مفهومی درباره این‌که دارایی‌های

چهارم، با توجه به کارکرد اقتصادی دارایی‌های دیجیتال در معاملات و سرمایه‌گذاری، پیشنهاد می‌شود امکان وثیقه‌گذاری برخی دارایی‌های دیجیتال با ملاحظات فنی پذیرفته شود. در بسیاری از نظام‌های مالی، دارایی دیجیتال به سمت وثیقه‌پذیری و ورود به مناسبات اعتباری حرکت می‌کند؛ در ایران نیز اگر دارایی دیجیتال به عنوان حق مالی شناسایی شود، می‌توان با طراحی قواعد فنی (مانند شیوه کنترل وثیقه، سازوکار توقیف و اجرای وثیقه، و احراز مالکیت) از ظرفیت آن در تأمین مالی استفاده کرد؛ البته این امر نیازمند دقت در جلوگیری از تقلب، ریسک‌های شدید نوسان ارزش و نیز تعیین اولویت حقوق اشخاص ثالث است.

پنجم، برای کارآمد شدن حمایت حقوقی، باید رویه قضایی و داوری تخصصی در دعاوی مربوط به دارایی‌های مجازی توسعه یابد. ماهیت فنی این دعاوی (اثبات انتقال، تشخیص مالکیت توکنی، تحلیل شروط پلتفرم، و ارزیابی ادله دیجیتال) اقتضا می‌کند سازوکارهای رسیدگی تخصصی تقویت شود؛ از جمله ایجاد شعب یا کارشناسان تخصصی، پذیرش ادله فنی (سوابق بلاک‌چین، لاگ‌های پلتفرم) و نیز توسعه داوری‌های تخصصی در حوزه فناوری. این رویکرد، هم سرعت و دقت رسیدگی را افزایش می‌دهد و هم به تثبیت انتظارات حقوقی بازیگران بازار کمک می‌کند (Moradi Barlian, 2022).

برآیند این پیشنهادها آن است که تنظیم‌گری در حوزه متاورس باید بر «شفاف‌سازی حقوق و تعهدات»، «توزیع منصفانه ریسک»، و «تضمین قابلیت اجرای حقوق مالی کاربران» متمرکز شود تا ضمن حمایت از نوآوری، از شکل‌گیری بازارهای پرابهام و نزاع‌زا جلوگیری گردد (Latifzadeh & Qobouli-Darafshan, 2023).

نتیجه‌گیری

نخست، تجربه عملی بازارهای متاورس نشان داده است که «غیرمادی بودن» به‌خودی‌خود مانع از مالیت نیست؛ زیرا در فقه امامیه، ملاک اصلی برای مالیت، اعتنای عقلایی و امکان اختصاص است، نه مادی بودن شیء. بنابراین هرچا دارایی متاورس واقعاً در عرف دارای ارزش اقتصادی باشد و افراد برای تحصیل آن حاضر به پرداخت عوض شوند، اصل مالیت قابل تقویت است؛ البته این پذیرش باید همراه با کنترل‌های شرعی باشد، چون ممکن است همان دارایی یا همان سازوکار کسب آن، به سبب قمار، فریب، یا اکل مال به باطل از مشروعیت خارج شود. به بیان دقیق‌تر، «مال بودن موضوع» یک بحث است و «حلال بودن طریق تملک و مبادله» بحثی دیگر؛ و در متاورس، این دو خیلی سریع از هم جدا می‌شوند.

دوم، در باب مالکیت نیز نتیجه مهم این است که مالکیت دارایی‌های متاورس معمولاً شبیه «مالکیت عینی کلاسیک» نیست؛ بلکه غالباً باید آن را مالکیت اعتباری یا حق مالی دانست. این حق مالی، بسته به نوع دارایی، می‌تواند به شکل‌های مختلف ظاهر شود: گاهی مانند «عین اعتباری» (مثلاً توکن یکتا)، گاهی بیشتر شبیه «منفعت» (حق استفاده از یک فضای مجازی برای مدت معین)، و گاهی «حق» ناشی از قرارداد و دسترسی (آیتم‌های درون‌پلتفرمی). این صورت‌بندی، برای تعیین قالب عقد (بیع یا صلح یا اجاره) و آثار آن (قبض، ضمان، امکان انتقال) نقش کلیدی دارد.

سوم، محور اصلی آسیب‌پذیری معاملات متاورس، غرر و عدم قطعیت ناشی از سلطه پلتفرم است. اگر پلتفرم بتواند بدون چارچوب روشن، دارایی را حذف کند، حساب را تعلیق نماید یا قواعد ارزش‌گذاری را تغییر دهد، منفعتی که کاربر برای آن پول داده «نامطمئن» می‌شود و این عدم اطمینان، هم از حیث فقهی (غرر و جهالت) و هم از حیث حقوقی (ابهام در موضوع و تعهدات) مسئله‌ساز است. به همین دلیل، راه‌حل‌های عملی – چه در فقه و

پلتفرمی» و «ریسک‌های فناوری» است، حمایت مؤثر صرفاً با تفسیرهای پراکنده به دست نمی‌آید و نیازمند تصریح‌های تقنینی و تنظیم‌گری متعادل است؛ تنظیم‌گری‌ای که هم نوآوری را خفه نکند و هم از انتقال نامتعارف ریسک به کاربران جلوگیری کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rapid expansion of the metaverse as a persistent, interactive, and economically organized virtual environment has generated a new category of legal and jurisprudential questions concerning the status of virtual assets and the possibility of recognizing them as objects of value and ownership. In these spaces, users do not merely consume digital experiences; they also create, exchange, monetize, and sometimes invest in a broad set of virtual assets, including virtual land, digital buildings, avatars, in-platform items, tokenized assets, non-fungible tokens, digital identities, and data-based reputational interests. This transformation has made it necessary to revisit the classic concepts of property, proprietary value, and ownership in light of assets that are non-material in form yet economically significant in practice. Contemporary Iranian scholarship has already highlighted the legal complexity of metaverse environments, especially with respect to their technological architecture, the role of digital identity, the marketization of avatar-based interactions, the tradability of virtual land, and the emergence of blockchain-based or platform-based claims that blur the conventional distinction between thing, right, and service (Latifzadeh & Qobouli-Darafshan, 2023; Moradi Barlian, 2022; Sajjadian et al., 2021; Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023; Torabi et al., 2023; Yeganeh & Famil-Saeidian,

چه در حقوق - عمدتاً به سمت شفاف‌سازی و قراردادی‌سازی دقیق می‌رود: شروط ضمن عقد درباره حدود اختیار پلتفرم، تعیین وضعیت تعطیلی سرویس، تعیین اوصاف دارایی و شیوه قبض حکمی، و استفاده از ابزارهای انعطاف‌پذیر مثل صلح.

چهارم، در حقوق مدنی ایران نیز جمع‌بندی این است که ظرفیت نظری برای شناسایی دارایی‌های متاورسی وجود دارد؛ چون حقوق ایران تجربه مواجهه با اموال غیرمادی (به‌ویژه مالکیت فکری و نرم‌افزار) را دارد. اما چون متاورس ترکیبی از «حق مالی»، «اقتصاد

2022). Accordingly, the central problem of the present study is whether metaverse assets can satisfy the criteria of proprietary value in Imami jurisprudence and Iranian civil law and, if so, what kind of ownership or proprietary entitlement can be recognized over them. The issue becomes particularly significant because these assets are often exposed to platform-based risks such as account suspension, unilateral policy changes, deletion of content, service interruption, hacking, fraud, and uncertainty concerning the duration of economic benefit, all of which challenge the stability of legal control and the security of exchange (Faezi & Bahram-Arjavand, 2024; Sadat-Tabatabaei et al., 2026; Zare et al., 2023).

From the perspective of legal theory, the question of whether a metaverse asset may be classified as “property” cannot be answered solely by reference to physical tangibility, because both Iranian civil law and Imami jurisprudence contain conceptual resources that allow non-material assets to be treated as economically relevant rights. In Iranian civil law, property is conventionally understood through its economic value, utility, and allocability to a specific person, while the broader category of proprietary rights includes rights that can be transferred, valued, and protected even when no corporeal object exists in the traditional sense (Adl, 1963; Emami, 1956; Jafari Langroudi, 1994, 1999, 2009;

Katouzian, 2003; Safaei, 2003). This line of reasoning is reinforced by prior developments in the treatment of intellectual property and software-related rights, which show that legal systems are capable of moving beyond purely material objects when the relevant interest possesses economic utility and exclusivity (Karimi & Mousavi, 2011; Sadeghi Neshat, 1997). In Imami jurisprudence as well, the concept of *mal* is deeply connected to rational desirability, lawful utility, capability of appropriation, and the existence of a benefit for which reasonable people are willing to pay consideration. Jurists have consistently relied on customary understanding and the practice of rational actors in determining whether something qualifies as property, while at the same time insisting that the object of exchange must not be inherently illicit and must be capable of being validly possessed, delivered, or controlled (Ansari, 1971; Haeri, 1984; Khoei, 1977, 1978; Khomeini, 1975, 1982; Naeini, 1973, 1994; Najafi, 1963; Naraq, 1975). On this basis, the theoretical framework of the study rests on the proposition that the non-material character of a metaverse asset is not, by itself, a barrier to its classification as property or as a proprietary right.

The study adopts a descriptive-analytical method based on library research and a comparative reading of the principles of Imami jurisprudence alongside the doctrines of Iranian civil law. Its subject matter is limited to economically functional virtual assets in metaverse environments, especially virtual land, tradable in-platform items, blockchain-based tokens, NFT-linked objects, data-related interests, and economic attributes connected to digital identity and avatars. The inquiry first extracts the governing criteria of proprietary value from the jurisprudential literature on sale, exchange, unlawful appropriation, and ownership, and then compares those criteria with the civil-law treatment of property,

proprietary rights, transferability, and contractual structure. The analysis proceeds further by distinguishing among different legal forms through which metaverse assets may appear: some are closer to independent intangible assets, some are best understood as contractual claims arising from platform participation, some derive value from intellectual creation, and some take the form of composite interests built from data, user accounts, and controlled access to a digital ecosystem (Karimi & Mousavi, 2011; Katouzian, 1992, 2003; Sadeghi Neshat, 1997; Safaei, 2003). Within the jurisprudential dimension, attention is also given to the role of valid contractual stipulations, the principle of party consent, the authority of custom in recognizing new forms of wealth, and the notion of constructive possession as a substitute for physical delivery where control over the asset is transferred through technological means such as account control, wallet access, or token registration (Ansari, 1971; Haeri, 1984; Khoei, 1978; Khomeini, 1982). This method allows the article to avoid a reductionist answer and instead to provide a structured legal classification of metaverse assets according to the kind of proprietary relationship they sustain.

The findings of the study indicate that many metaverse assets can indeed satisfy the criteria of proprietary value in both Imami jurisprudence and Iranian civil law, especially when they possess four cumulative features: rational desirability, lawful benefit, capability of appropriation, and practical transferability or constructive deliverability. Virtual land in established platforms, NFTs with recognized market demand, scarce in-game items, monetizable avatar-based reputational interests, and transferable digital tokens may all qualify as property when users are willing to pay for them in rational exchanges and when their benefit is not predominantly tied to an illicit purpose (Faezi & Bahram-Arjavand,

2024; Shamsiri & Amirabadi Farahani, 2023; Torabi et al., 2023; Yeganeh & Famil-Saeidian, 2022; Zare et al., 2023). The analysis also shows that “ownership” in this sphere should not always be understood as classical ownership of a corporeal thing. Rather, metaverse assets are better classified through a differentiated legal model: some constitute independent intangible assets analogous to a legally recognized non-material object; some are contractual or debt-like rights dependent on platform terms; some are proprietary interests linked to intellectual property; and some are composite rights connected to user data and account-based digital identity. This classification is important because the legal consequences differ: transfer through sale may be appropriate where the asset functions as an identifiable independent object, whereas settlement, license-like arrangements, or mixed contractual structures may be more suitable where the asset is inseparable from platform services or access conditions (Jafari Langroudi, 2009; Karimi & Mousavi, 2011; Katouzian, 1992, 2003; Safaei, 2003). At the same time, the findings confirm that the strongest objection to many metaverse transactions is not the mere absence of materiality, but the existence of excessive uncertainty concerning the object, the duration of benefit, the scope of platform control, and the actual enforceability of the user’s claim.

A further major finding is that the legal and jurisprudential vulnerability of metaverse transactions lies primarily in *gharar*, *jahalah*, and structurally unfair allocation of power between users and platforms. Platform operators often reserve broad rights to suspend accounts, alter digital environments, delete assets, restrict transferability, or terminate services, thereby creating uncertainty regarding the continuity of the user’s benefit and the stability of the acquired asset. In Imami jurisprudence, such

uncertainty is problematic not because all risk is forbidden, but because serious ambiguity that normally produces dispute undermines the legitimacy and security of exchange (Ansari, 1971; Montazeri Najafabadi, 1975; Sadat-Tabatabaei et al., 2026). The study therefore concludes that a substantial part of the jurisprudential objection may be reduced through careful drafting of contractual stipulations: clarifying the exact identity and features of the asset, specifying whether secondary transfer is allowed, defining the mechanism of constructive delivery, limiting the platform’s unilateral powers, requiring notice and review before suspension or deletion, determining the minimum period of service continuity, and providing remedies for service termination or unjustified interference. Where the legal nature of the transferred interest is too complex for a classical sale analysis, the contract of *sulh* offers a flexible doctrinal tool for organizing mixed rights and obligations in a coherent framework (Haeri, 1984; Khomeini, 1982; Naeini, 1973). The study also stresses that proprietary value does not automatically imply the legitimacy of all methods of acquisition. Where metaverse structures involve chance-based gain, loot-box logic, fraudulent token promotion, pyramid-like returns, or other forms of deceptive enrichment, the relevant transaction may still fall under gambling or unlawful appropriation of wealth even if the underlying digital object has market value (Sadat-Tabatabaei et al., 2026; Shamsiri & Amirabadi Farahani, 2023; Zare et al., 2023).

In conclusion, the study shows that metaverse assets should not be dismissed as legally irrelevant merely because they are digital, intangible, and technologically mediated. The more persuasive legal and jurisprudential position is that many such assets can possess proprietary value and can become the subject of ownership-like or right-based protection when they generate lawful and rational

economic benefit, can be allocated to specific users, and can be transferred through recognized forms of control. However, ownership in this field is usually not identical to classical ownership over a physical object; it is more accurately described as constructive, contractual, intangible, or composite ownership depending on the architecture of the asset and the degree of dependence on the platform. The decisive issue is therefore not whether recognition is conceptually possible, but how that recognition should be legally structured and safeguarded. The study accordingly supports a differentiated approach in Iranian law: metaverse assets should be classified according to their juridical form, their transfer should be governed by clear contractual mechanisms, and user protection should be strengthened through explicit regulation concerning transparency, platform responsibility, risk allocation, evidentiary standards, and dispute resolution. Such an approach preserves doctrinal coherence, accommodates technological innovation, and reduces the instability that currently surrounds the economic life of virtual assets in the metaverse.

References

- Adl, M. (1963). *Civil Law* (7th ed.). Amir Kabir Institute.
- Ansari, M. i. M. A. (1971). *Kitab al-Makasib*. منشورات دار الذخائر.
- Emami, H. (1956). *Civil Law* (Vol. 1). University of Tehran Press.
- Faezi, M., & Bahram-Arjavand, R. (2024). The Condition of Property Value in Metaverse Real Estate Transactions from the Perspective of Imami Jurisprudence. *Jurisprudential Research on Emerging Issues*, 2(1), 121-140.
- Haeri, S. K. H. (1984). *Fiqh al-Uqud* (2nd ed.). Majma' Andisheh-ye Eslami.
- Jafari Langroudi, M. J. (1994). *Property Law*. Ganj-e Danesh Publications.
- Jafari Langroudi, M. J. (1999). *Expanded Legal Terminology* (1st ed.). Ganj-e Danesh Publications.
- Jafari Langroudi, M. J. (2009). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law* (Vol. 1). Ganj-e Danesh Publications.
- Karimi, A., & Mousavi, A. (2011). Sale of Intellectual Property from the Perspective of Islamic Law. *Journal of Islamic Jurisprudence and Foundations of Law*, 44(2), 53-74.
- Katouzian, N. (1992). *Civil Law: Onerous Transactions (Transfer Contracts)* (Vol. 1). Enteshar Company.
- Katouzian, N. (2003). *Property and Ownership* (6th ed.). Mizan Press.
- Khoei, S. A. M. (1977). *Misbah al-Fiqaha*. Ansariyan Institute.
- Khoei, S. A. M. (1978). *Al-Tanqih fi Sharh al-Urwah al-Wuthqa*. Institute for the Revival of the Works of Imam al-Khoei.
- Khomeini, S. R. M. (1975). *Al-Makasib al-Muharrama* (Vol. 1). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, S. R. M. (1982). *Kitab al-Bay'*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Latifzadeh, M., & Qobouli-Darafshan, S. M. M. (2023). Introducing Digital Identity in the Metaverse, Identifying Its Legal Challenges, and Searching for Solutions. *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 53(2), 349-372.
- Montazeri Najafabadi, H. A. (1975). *Dirasat fi al-Makasib al-Muharrama*. Tafakkor Publishing.
- Moradi Barlian, M. (2022). An Introduction to the Consequences and Legal Challenges of the Metaverse. *Legal Research Quarterly*, 25(99), 363-392. (Special Issue on Law and Technology)
- Naeini, M. M. H. G. (1973). *Al-Makasib wa al-Bay'*. Daftar-e Enteharat-e Eslami, Society of Seminary Teachers of Qom.
- Naeini, M. M. H. G. (1994). *Munyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib*. Al-Maktabah al-Mohammadiyah.
- Najafi, M. H. (1963). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Naraqi, M. A. i. M. M. (1975). *Mustanad al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'a*. Ahl al-Bayt Institute.
- Sadat-Tabatabaei, M., Amirabadi Farahani, F., & Shamshiri, A. (2026). Feasibility of Trading Digital Assets in the Metaverse: An Inquiry into the Uncertainty-Based Objection. *Islamic Law Research Journal*, 20(3), 957-1000.
- Sadeghi Neshat, A. (1997). *Protection of the Rights of Creators of Computer Software*. Plan and Budget Organization, Center for Economic and Social Documentation and Publications.
- Safaei, H. (2003). *Introductory Civil Law Course: Persons and Property* (2nd ed., Vol. 1). Mizan Press.
- Sajjadian, M., Firouzi, M. A., & Pourahmad, A. (2021). An Introduction to the Concepts and Foundations of Crypto and Metaverse Cities for Informed Application in Iran. *Zagros Landscape Urban Geography and Planning*, 49(13), 7-40.
- Shamshiri, A., & Amirabadi Farahani, F. (2023). Virtual Land Transactions in the Metaverse and

Their Jurisprudential and Legal Challenges. *Journal of Media Jurisprudence and Law Studies*, 5(10), 45-67.

Torabi, M. A., Hasanqolipour Yasouri, T., & Jafari Zare, M. (2023). Conceptualization and Theory-Building of Avatar Marketing in Iran. *Business Management*, 56(15), 185-216.

Yeganeh, H., & Famil-Saeidian, F. (2022). Examination and Analysis of the Legal Challenges of Avatars in the Metaverse Ecosystem. *Nasha-ye Elm*, 13(1), 33-41.

Zare, M., Mohebbi Pour, N. K., Ramezani, M., & Khosravi Nia, B. (2023). Digital Currencies from the Perspective of Islamic Jurisprudence, with Emphasis on Mining, Transactions, and Legitimacy. *Iranian Political Sociology*(26), 3346-3363.